

مقاله ۴۴ + - دکتر محمد قریب

... در فرانسه برای یک دانشجوی برجسته کافی نیست که مسیر معمول تحصیلات پزشکی را طی کند؛ حتی اگر امتحانات را به بهترین وجه ممکن بگذرانند. هیچ کس نمی‌تواند مدعی مقام استادی شود؛ مگر آنکه راه دراز و دشوار کنکورهای بیمارستانی و به دنبال آن اکسترنای و به خصوص انترنای بیمارستانهای پاریس را گذرانده باشد؛ روش گزینش ویژه کشور فرانسه این گونه است. این روش دشوار است زیرا تعداد مکانهایی که از طریق کنکور دانشجو می‌پذیرند، ثابت و بسیار کمتر از شمار داوطلبان است. در کنکور اکسترنای کمابیش یک مکان برای هر چهار داوطلب و در انترنای یک مکان برای هر ده تا دوازده اکسترن وجود داشت؛ یعنی آن زمان از هرچهل تا پنجاه دانشجو یک نفر به انترنای بیمارستانهای پاریس دست می‌یافت؛ آن هم پس از یک دوره آماده سازی توان‌فرسا که گاه پنج تا شش سال طول می‌کشید...

محمد قریب به آسان‌ترین شکل ممکن در کنکور اکسترنای و سپس در سال ۱۹۳۵ در کنکور انترنای بیمارستان پاریس پذیرفته شد. (کیهان فرهنگی، ص ۱).

دکتر محمد قریب در تهران متولد شد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا به پایان رسانید و در سال ۱۹۲۷م. برای فرا گرفتن دانش پزشکی راهی فرانسه شد. تحصیلات پزشکی را در شهر رنس آغاز کرد و در پایان سال اول موفق شد جایزه لاباتوار تشریح دانشکده پزشکی رنس را دریافت کند. در سال دوم در بیمارستانهای همان شهر مشغول به کار شد و در آغاز سال چهارم در مسابقه اکسترنای بیمارستان پاریس پذیرفته شد و به تناوب در سرویسهای مختلف خدمت کرد. در پایان تحصیلات خود در سال ۱۹۳۸م، موفق شد دانشنامه دکترای دانشکده پزشکی پاریس را دریافت کند. سال ۱۳۱۷ ش. به تهران بازگشت و پس از انجام خدمت زیر پرچم، در سازمان نوین دانشکده پزشکی به سمت استاد کرسی بیماریهای کودکان و ریاست بخش مربوط منصوب شد. (مشار، ۱۳۴۳، ص ۶۷۵-۶۷۶)

محمد قریب طی اقامت خود در فرانسه در کنار استادان مشهوری چون **پروفسور دماره، دکتر مونو** و **دکتر پینارد** به شناخت بیماریهای جلدی و سیفلیس پرداخت و پس از اتمام دوره انترنای پاریس یک سال در کنار **دکتر ریبادو دوما** رشته طب اطفال را گذرانید و سپس شش ماه نیز در کنار **پروفسور سنزاری** به بررسی بیماریهای پوستی و مقاربتی مشغول بود. بار دیگر به عنوان انترن به گروه **دکتر گرنه** رفت و پیش از بازگشت به ایران شش ماه نزد **دکتر مونیو وینار** در رشته بیماریهای عصبی فعالیت کرد و در خلال دوره انترنی در بنگاه طب مستعمراتی، بیماریهای عفونی گرمسیری را مطالعه و بررسی کرد و گواهینامه‌ای نیز از آن مرکز دریافت نمود. دکتر قریب در سال ۱۳۱۶ش. از رساله دکترای خود با عنوان «وقفه‌های تنفسی شیرخواران» دفاع کرد و با رتبه بسیار خوب دیپلم پزشکی پاریس را گرفت و در سال ۱۳۱۷ ش. به وطن بازگشت. (قریب، ص ۱۳۰-۱۳۱)

مرحوم دکتر قریب از استادان برجسته و نامدار دانشکده پزشکی تهران بود. او و دکتر فریدون کشاورز از پایه‌گذاران طب اطفال در ایرانند. دکتر فریدون کشاورز از بزرگان حزب توده بود که در دهه بیست نقش مهمی در سیاست مملکت داشت. او بعدها به وزارت حزب نیز رسید؛ اما پس از مدتی کناره گرفت و در عزلت کتابی به نام «من متهم می‌کنم» نوشت و نقش بسیاری از سران حزب را شرح داد و آنان را خطاکار خواند.

این استادان هر دو در دانشکده پزشکی مشغول بودند؛ اما هر چه دکتر کشاورز - به عللی که شرح داده شد - در تربیت پزشک اطفال موفق نبود، دکتر محمد قریب در این امر موفقیت زیادی به دست آورد و پدر طب اطفال ایران لقب گرفت. او به کار خود و به تربیت دانشجو علاقه فراوان داشت. دانشجویان را جمع می‌کرد؛ کودک بیماری را از بخش می‌آورد و به شرح بالینی بیماری او می‌پرداخت. ابتدا از دانشجو سوالهایی می‌کرد؛ اگر جواب مطابق میلش نبود، او را به استهزا می‌گرفت و متلک‌ها می‌گفت. همین سخت‌گیریها باعث می‌شد که دانشجویان دقت بیشتری داشته باشند و درسهای او را به خوبی مطالعه کنند تا در کلاس حاضر جواب باشند. دکتر قریب در سیاست از طرفداران مصدق بود و از نظامی‌ها، به ویژه سپهبد زاهدی، بیزار بود و در لفافه، متلک‌های جالبی نثار او می‌کرد. او از کسانی است که پس از قرارداد نفت با کنسرسیوم با سایر استادان اعلامیه‌ای علیه آن صادر کرد و به همین دلیل منتظر خدمت شد و زمانی که دکتر اقبال رئیس دانشگاه شد، دوباره به کار دعوت گردید.

دکتر قریب مرد بزرگوار و بی غل و غشی بود و اگر مزاحی می‌کرد، قصد بدی نداشت. یک‌بار با آذربایجانی‌ها شوخی کرد و این جمله را که «اترک التروک و لوکان ابوک» به زبان آورد که چندان موافق طبع دانشیارش، دکتر مختارزاده، که از مردم آذربایجان بود، نیفتاد؛ دکتر قریب هم از او عذر خواست. دکتر مختارزاده بیماریهای نادر اطفال را شرح می‌داد. روزی یکی از دانشجویان به شوخی روی تخته سیاه نوشته بود «بیماری ابشتاین تا حال چند مورد در دنیا دیده شده و درمانی ندارد». یک بار هم درباره کم خونی ناشی از فقر آهن از دختر دانشجویی سوال کرد و مقدار مصرف آن را خواست. گفت: آهن چقدر بدهیم؛ یک تیر آهن کافی است؟ دانشجو گفت: به اندازه یک میخ.

گذشته از این مزاح‌ها که اغلب بدون قصد و غرض و تنها برای خنده عنوان می‌شد و برخی را دلگیر می‌کرد، استاد مردی بود که بدون بخل، متخصصان اطفال بسیاری تربیت کرد و دانشجویان را به مطالعه و ترجمه تشویق می‌کرد. یکی از پزشکان نظامی هم دوره ما، دکتر غلامرضا خاتمی، به تشویق او کتاب طب **اطفال نلسون** را ترجمه کرد که بعدها جزو منابع درسی شد؛ هم چنین دکتر احمد سیادت، متخصص سرشناس بیماری‌های اطفال در تهران، از شاگردان خوب اوست.

به یاد این مرد وارسته و بزرگوار هر سال کنگره طب اطفال تشکیل می‌شود و خیابان شرقی بیمارستان امام خمینی را به اسم او نام‌گذاری کرده‌اند. (موحدی ۱۳۷۱، ص ۹۵-۹۷).

دکتر قریب با آن که در پاریس تحصیل می‌کرد و نسبت به فرانسوی‌ها غریبه بود، نخستین ایرانی‌ای بود که در امتحان «انترن»‌ها قبول شد. امتحان انترن‌های پاریس هنوز هم که هنوز است امتحانی سخت است. دکتر قریب این سد را شکست و ثابت کرد که می‌توان از این سد عبور کرد و تحصیلاتش را با درجه بسیار عالی گذراند. استاد به محض پایان تحصیلات به ایران بازگشت؛ چون عقیده داشت این سواد و هنر تنها باید به مملکت خودمان عرضه شود.

استاد در طول زندگانی‌اش چندان شناخته شده نبود و شاید هم کسی از خدماتش قدردانی نمی‌کرد. یکی از کارهای ایشان پس از بازگشت به ایران پایه‌گذاری مرکز انتقال خون است؛ گر چه انتقال خون امروزه به صورت

سازمانی گسترده تشکیل یافته و در خدمت اجتماع است، نخستین تعویض خون را حدود ۳۵ سال پیش ایشان انجام داد. در گذشته این گونه نبود که خون را ضد عفونی کنند و پس از بررسی و تصفیه، به بدن بیمار منتقل کنند. در تمام دنیا، تزریق خون خیلی ساده بود و ایشان نخستین کسی بود که آن را در ایران رایج کرد.

خدمت دیگر دکتر قریب به دنیای طب آن روز، بیان کاربرد و نحوه استفاده از «آنتی بیوتیک» بود. تا آن زمان در ایران کسی آنتی بیوتیک را نمی شناخت. ایشان نخستین کسی بود که عنوان کرد برای از میان بردن میکروبها داروهای جدیدی شناخته شده است که ارزش آن بسیار بیش از داروهای قبلی است و راه تجویز و پیشرفت را برای همکاران و شاگردان خود باز کرد. افزون بر این دکتر قریب در طب اطفال هم استاد بودند و خدمات شایان توجهی انجام دادند. (کیهان فرهنگی، ص ۲)

دکتر محمد قریب در طول زندگی پر بار خویش عهده دار مشاغل مختلفی بوده اند؛ از جمله ریاست انجمن پزشکان کودکان ایران و عضویت هیات رئیسه انجمن بین المللی کودکان. (نوایی، ص ۳۳۸)

از خصوصیات دکتر محمد قریب شوخ طبعی، حضور ذهن و علاقه شدید ایشان به تعلیم دانشجویان بود. این خصوصیات باعث شده بود که دانشجویان برای کارورزی در بخش وی بر یکدیگر سبقت بگیرند. (هدایتی، ۶۳)

دکتر قریب همواره به یافته های جدید طب جهان احاطه داشت و این مطالب را به دانشجویان خود منتقل می کرد و آنان را برای پیگیری پیشرفتهای علمی جهان تشویق می کرد. ولی بیش از توجه به روش های نوین علمی، بر آموزش خانواده ها و برخورد عاطفی و اخلاقی با بیماران تاکید می کرد. دستگیری از مستمندان و درمندان و رسیدگی به نابسامانی های زندگی بیماران از ویژگی های بارز دکتر قریب بود. (قریب، ص ۱۳۱)

یکی دیگر از خصوصیات ایشان در امر تدریس این بود که ساعتهایی را که برای مطالعه در نظر می گرفتند، بسیار بیشتر از شاگردانشان بود و صبح که به کلاس می آمدند، با کمال سخاوت و گشاده رویی اندوخته های علمی و مطالعات خود را در اختیار دانشجویان می گذاشتند. تنگ نظری و خستی که گاهی در برخی افراد وجود دارد، در ایشان نبود و این صفت برجسته ای بود که ایشان را از سایرین متمایز می کرد. (کیهان فرهنگی، ص ۳)

تحول در آموزش های نوین پزشکی کودکان در ایران به بازگشت دکتر محمد قریب از فرانسه در سال ۱۹۳۹ م. باز می گردد. وی علاقه و اشتیاق وافری داشت که پزشکی کودکان را در مجموعه مستقلی بنیان گذاری کند. دکتر محمد قریب نخستین پزشک ایرانی بود که به عنوان استاد پزشکی کودکان انتخاب شد. او اولین استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بود که زیر نظر استادان و پزشکان تراز اول فرانسه تحصیل کرد و برنامه های آموزشی دانشگاه پاریس را متناسب با نیازهای کشورمان تحقق بخشید. (رضا قریب، ص ۲۳۹)

دکتر قریب ابتدا در بیمارستان رازی و سپس در بخش کودکان بیمارستان هزار تختخوابی، امام خمینی فعلی، به کار پرداخت. بیمارستان رازی در نظام آموزشی پروفیسور ابرلین مرکز جامعی برای آموزش های بالینی بود که درمانگاه و بخش کودکان آن زیر نظر دکتر قریب اداره می شد.

ویزیت روزانه دکتر قریب برای رزیدنت ها و دانشجویان تجربه آموزشی بی نظیری بود که اغلب عده زیادی داوطلب شرکت در آن بودند. وی صبح ها زودتر از دیگران به بیمارستان می رسید؛ پس از شنیدن گزارشهای صبحگاهی دانشجویان به اتفاق آنان به بالین بیماران می رفت و با روش بحث و آنالیز دقیق مشخصات بیماری، آنها را در تشخیص صحیح راهنمایی می کرد. او از آغاز کار در بیمارستان رازی به طور جدی به تعلیم و پروردن

دانشجویان پزشکی همت گماشت. هدف وی تربیت و ایجاد کادری قوی در پزشکی و تدریس به پزشکان اطفال در ایران بود. از این روست که بسیاری از پزشکان اطفال سرشناس در ایران - که برخی از آنها بعدها در دنیا نیز مشهور شدند - در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۳ از شاگردان دکتر قریب بودند. اولین آسیستان‌های اطفال در مکتب قریب، دکتر احمد قانع بصیری، دکتر صادق مختارزاده، دکتر مرتضی مشایخی و دکتر نورالدین هادوی بودند که بعدها به مرتبه استادی رسیدند. (قریب، ص ۱۳۲-۱۳۳)

اهل علم، دکتر قریب را در تشخیص بالینی کم نظیر می‌دانستند. او از همان سالهای اول بازگشت به ایران مطبی دایر کرد که در کنار خانه‌اش قرار داشت. از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵ ش. دو اتاق در منزل اجاره‌ای نیش خیابان حشمت الدوله و خیابان پهلوی سابق به مطب اختصاص داده بود و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۱ ش. مطب وی در کنار خانه‌ای بود که در خیابان کاخ سابق خرید و شامل یک اتاق دفتر، یک اتاق معاینه و یک اتاق انتظار بود. استاد هر روز از ساعت دو بعدازظهر تا نه شب به معالجه بیماران می‌پرداخت و از بسیاری از آنان بنا به وضع و حالشان پولی دریافت نمی‌کرد. حق ویزیت دکتر قریب با آن همه حسن شهرت اغلب از همه پزشکان و بعدها حتی از بسیاری از شاگردانش پایین‌تر بود. (قریب، ص ۱۳۳)

دکتر قریب پایه‌گذار طب نوین اطفال در ایران به شمار می‌رود. تربیت شاگردان بسیار نیز از نتایج خدمات ایشان است. دکتر افزون بر خدمات ارزنده در رشته تخصصی خود «انجمن اطباء اطفال» را که در حال حاضر از فعال‌ترین انجمنهای پزشکی ایران است، با امکانات اندک پایه‌گذاری کردند. شایان توجه است که خدمات دکتر قریب با امکانات کمی که در اختیار داشتند، کار آسانی نبوده است.

ایشان از شاگردان و دوستانشان خواهش می‌کردند که هر ماه یک شب در درمانگاه «خواجه نوری» واقع در دروازه شمیران جمع شوند و راجع به مسائل پزشکی تبادل نظر کنند. این جلسه‌ها نقطه آغاز و پایه انجمن شد. پزشکان ما امروز این انجمنها را به شکل کامل‌تری دارند و هر ماه یک روز در «مرکز طبی کودکان» - که این مرکز هم به همت ایشان ساخته شده است - دور هم جمع می‌شوند و مطالب علمی روز را بررسی می‌کنند. دکتر قریب معتقد بود طب با دو مشکل روبه‌روست، یکی مشکلات رایج و دیگری مشکلات نادر و ما در جهان سوم نیاز داریم مسائل رایج عمومی و ساده را کاملاً بسط دهیم و جدی بگیریم و همه را راهنمایی کنیم. (کیهان فرهنگی، ص ۲-۳)

نامه رسمی دال بر تایید اعزام هفده محصل به خارج از کشور خطاب به ریاست وزرا که در شهریور ۱۳۱۱ صادر شده به شرح زیر است :

« شیر و خورشید، ریاست وزراء

هیئت وزرا در جلسه ۹ شهریورماه ۱۳۱۱ ش. در تعقیب پیشنهاد وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نظر به قانون ۶ تیرماه ۱۳۰۸ و قانون اردیبهشت ۱۳۱۱ ش. هفده نفر از محصلین مقیم اروپا و سه نفر مقیم امریکا را به شرح صورت ذیل جزء صدی بیست انتخاب و شعب تحصیلی آنها را از این قرار تعیین نمودند:

در فهرست ارائه شده تنها محمد قریب برای تحصیل در رشته طب برگزیده شده است. بعضی از اسامی عبارتند از احمدخان رضوی، محمدعلی نشروودی، و فضل ... مشاور، برای معلمی و امیرقاسم امیرسلیمانی، حقوق،

حسن جواهری، شیمی، منوچهر حکیم، بیطاری و ...» (نوایی، ص ۳۷۶-۳۷۷).
دکتر محمدعلی و دکتر علی محمد میر از فرزندان استاد عالیقدر دکتر یوسف میر که از جراحان موفق و اثر گذار به شمار می‌روند، در دوران فعالیتشان با عملی ساختن موارد جراحی برای اولین بار در ایران تحولی اساسی در این بخش از پزشکی به وجود آوردند. از زبان این دو برادر آمده است:

« ما برادران در دوران فعالیت خود در بیمارستان پانصد تختخوابی از پشتیبانی و عنایت استادان عالیقدری چون شادروان دکتر محمد قریب، دکتر مهدی آذر، دکتر احمد فرهاد، دکتر فضل ا... معتمدی و پروفیسور حسن هاشمیان برخوردار بودیم و بسیار مدیون اعتماد و اطمینانی هستیم که آن بزرگواران ما را مستحق آن دانستند.» (میر، ص ۹۴)

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ ش. دارای نوزده گروه آموزشی بوده است:
آزمایشگاه بالینی، آسیب شناسی، بافت شناسی و پزشکی قانونی، بیماری‌های روانی، علوم بهداشتی، بیماریهای پوست و آمیزی، گروه جراحی، گروه جراحی بیماریهای زنان و مامایی، گروه چشم پزشکی، گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی، گروه بیماریهای قلب، گروه کالبد شکافی (شناسی)، گروه بیماریهای کودکان، گروه بیماریهای گوش و حلق و گلو و بینی، گروه میکرب شناسی و ایمنی شناسی ...

ذیل گروه هفده، گروه بیماریهای کودکان آمده است:

«استادان: دکتر محمد قریب، دکتر صادق مختارزاده، دکتر حسن اهری

برنامه: کارآموزی بالینی بیماریهای کودکان در سال پنجم در بخشهای کودکان بیمارستانهای بهرامی، پهلوی و بیمارستان شماره ۳ کمک ...» (راهنمای دانشگاه تهران، ص ۴۲۸)
ریاست این بخش به عهده دکتر محمد قریب بوده است.

در کتاب مؤلفین کتابهای چاپی همراه با معرفی کتاب ارزشمند دکتر قریب با نام «بیماریهای کودکان» تهران، ۱۳۱۸ ش، چاپ سری، قطع وزیری ۳۳۹ صفحه ... زندگینامه موجز و فشرده‌ای نیز از ایشان چاپ شده است. (مشار، ج ۵، ص ۶۷۵-۶۷۶)

در روزهای آخر عمر انبوه موهای سفید و چین و چروک چهره‌اش نمایانگر سالها رنج و عشق و تلاش در راه آباد کردن طب کودکان ایران بود. دستهای پرتوان و عاشقی که غم را از دل مادران نگران و تنها پاک می‌کرد، ناتوان شده بود و از خداوند طلب آمرزش و رهایی از چنگال بیماری یا مرگ می‌کرد. دیدن آن منظره برای شاگردان بسیار دشوار بود. استاد با حال بیماری از اتاقش خارج می‌شد و به سمت بخش کودکان می‌رفت و نگران بهبود همه آنها بود و توصیه‌های لازم را به شاگردان می‌کرد و هر که غمی داشت، با دیدن او و شنیدن مزاحهای ظریف و به جایش آن را فراموش می‌کرد؛ اما دیگر نگاه‌های استاد امیدبخش نبود. دستهای شفا بخش و معجزه‌گرش توان حرکت نداشت و خود را مغلوب مرگی می‌دید که سالها با آن دست و پنجه نرم کرده بود.

استاد قریب در سه شنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۳ درگذشت. بزرگی دیگر به دیار باقی شتافت. بنا بر وصیت استاد پیکر ایشان به شهر قم منتقل شد. جنازه را بعد از طواف و خواندن نماز که مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی آن را ادا کرد به خانه ابدیش بردند. (قریب، ص ۱۳۷-۱۳۸)

کتاب شناسی

۱. راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۲. قریب، بهداد، به یاد آن همه خویان.
۳. کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۱.
۴. مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۵.
۵. موحدی، محمدمهدی، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱).
۶. میر، محمدعلی و علی محمد، زندگینامه و تاریخچه تحول طب و جراحی، یوسف میر.
۷. نوایی، عبدالحسین، دانشجویان ایران در اروپا، اسناد مربوط به قانون اعزام محصل.
۸. همو، اثر آفرینان، زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران، ۱۳۷۹.
۹. هدایتی، سیدجواد، تاریخ پزشکی معاصر ایران، از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی.

منبع انگلیسی :

1. Reza Gharib & Sohrab Najaf-tomaraei, *History of contemporary medicine in Iran*